# پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

شماره ۲۶-سال دوم دوشنبه ۱۴ میزان ۴۸  ۶ اکتوبر ۶۹، شماره مسلسل ۷۸


# د نه ماتیدو راز له خلکو سره نژدی پیوند

زمور په هیواد کی د استبداد او ارتجاع د له مینځه وړلو د ناکامی یو علت او یو له عواملو څخه دادی چه تر قی غوښتونکی او هیواد پالونکی قوتونه د خلکو له پراخو پرګنو سره تماس او پیوند نلری. د افغانستان ارتجاعی حاکمه قدرتونو له کلونو راهیسي هڅه کړی ده چه په بیلو بیلو تکتیکونو او راز راز طریقو له خلکو سره د هیواد د ترقي غوښتونکو او ملي قوتونو د تماس مخه په جدی ډول ونیسی. ځکه چه دوی ښه پوهیږی چه که مترقی او ملی قوتونه له خلکو نه جلا وی، او له زیارکښو سره ارتباط ونه لری او له خلکو سره د دوی د تماس نیولو امکان له مینځه یووړل شی، په هغه وخت کی که هر ځومره انقلابی شور او هیجان وښئی خونړي او له اوره ډك د انتقام، کینی، نسکورولو او قهرآمیزه شعارونه ورکړی، پای به یی هیڅ وی. له همدی جهته ده چه د افغانستان ارتجاعی حاکمه قوتونه تر ټولو لومړی له هغو اصیلو مترقي او وطن پرستو قوتونو څخه ویریږی او دهغو په ضد په دسیسی لاس پوری کوی چه زیاتره په خلکو با ندی اتکا ولری، او د خلکو دفاع کوی، د خلکو خدمت کوي، دخلکو د سترو رنځونو د پاره فکر کوي او د اوسنی افغانستان د اجتماعی او سیا سی شرایطو له علمی تحلیل سره سم د خلکو په ګټه دمبارزی صحی هدفونه او شعارونه ځنی را وباسی او د هغو د تحقق دپاره خیلی قواوی متشکلی کړی او په اصولي او پرله پسی مبارزی لاس پوری کړی.

د افغانستان ارتجاعی حاکمه قدرتونه د خلکو د سترو پرګنو له خلاق او خوځوونکی قوت څخه ډاریږی او د خلکو له پراخو پرګنو سره ترقي غوښتونکو او هیوادپالونکو قوتونو تماس د ځان دپاره مرګ بولی، دا تاریخی واقعیت دی. ځکه، مسلمه خبره ده چه یو ځل خلك راویښ شول او وخوځیدل د یو سهمناک طوفان او خړ سیلاب په شان به ودریږی او په هغه وخت کی به یی هیڅ قدرت د مخنیوی توان و نه لری. د اسارت تور ځنځیرونه به وشلوی او د آزادی په لوڅی لاری به روان شی. فاسده او مرتجع دستګاه، د امپریالیزم ټول هواخواهان، ټول رشوتخواره مأموران، ټول مستبدین، او د محلی نفوذ خاوندان به ګور ته ورښکته کړی

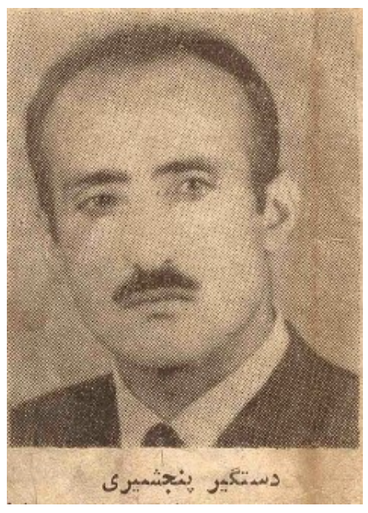
(ص ۳)

## اعمال قانون شکنانه

### در حوزه‌های انتخاباتی ولسوالی‌های پنجشیر و خان آباد و زندانی کردن غیرقانونی پرچمداران ترقی‌خواه و وطن‌پرست جریان دموکراتیك خلق افغانستان

## در اثر یك توطئه سیاه رفیق ارجمند ما دستگیر پنجشیری زندانی شد

**رفیق ارجمند ما دستگیر پنجشیری این پرچمدار وطن‌پرست و پیشرو دموکراتیک خلق افغانستان، فرزند مبارز دره‌های مردزای پنجشیر ۳۶ سال قبل در یک خانواده افسر پائین رتبهٔ متقاعد و زحمتکش به دنیا آمده و تحصیلات ابتدائی و متوسط را در هرات و پنجشیر و دوره عالی تحصیلات خویش را در پوهنځی ادبیات (سال ۱۳۳۷) به پایان رسانید. محیط اختناق و محنتزای کشور ما و محرومیت‌های عظیم خلق وطن، شور و هیجانات انقلابی در آغاز دوره جوانی در وی پدید آورد و احساس پرشور مبارزه را در او بیدار ساخت که از همان بدو امر روی این احساس شریفانه، رفیق ارجمند ما در طریق جستجوی راه نجات توده‌های وسیع مردم کشور از تحت چنگال‌های بی‌رحم ستمگران و دشمنان منافع خلق نخستین گام‌ها را برداشت و درین راه تا کنون استوار به‌پیش می‌رود و در زمره گروه رهبری پرچمداران جریان دموکراتیک خلق افغانستان از آغاز فعالیت آن، به‌مثابه رفیق همرزم دلیر در یک سنگر با وفاداری به اندیشه‌های پیشرو عصر ما، در موضع دفاع از منافع خلق رنجدیده افغانستان، در مبارزه ضد استبداد، ضد ارتجاع و ضد امپریالیزم**



دستگیر پنجشیری

**با شهامت در چوکات اصول و خط مشی جریان قرار گرفته و در جریان و نهضت رهائی‌بخش کشور ما فعالانه و صمیمانه شرکت داشته است و افتخار خصومت مرتجعین، مستبدین را عموماً و متنفذین محلی پنجشیر را خصوصاً کسب کرده است.**

**بر اساس همین خصومت اخیر رفیق مبارز ارجمند ما در اثر توطئه و دسیسه عیان فلان عنصر متنفذ به همدستی مستبدین و مرتجعین در دستگاه حاکمه کشور خلاف قانون و به شکل دستوری با وارد آوردن اتهامی مطلقاً دور از واقعیت بروی، فرزند صدیق و وطن پرست کشور می‌باشند.**

**از طرف عمال دستگاه توقیف و به کمترین زمان بدون اینکه کوچک‌ترین مجال قانونی حق دفاع برای وی داده شود به شیوه قرون وسطایی »محاکمه «و به هفت سال حبس محکوم گردید.**

**جریان دموکراتیک خلق افغانستان با شناخت کاملی که ازین رفیق وطن پرست و با تقوی و اصولی خود دارد، جداً معتقد است که وی در فعالیت‌های عملی‌اش مطابق به خط مشی جریان و در چوکات اصول و قانونیت پیوسته با انضباط بوده و از هر گونه گرایش به انحراف راست و اعمال ماجراجویانه و چپروانه احتراز جسته است. اینکه عده‌یی از عمال زرخرید طبقات حاکم به‌صورت بسیار بی‌شرمانه و کینه‌توزانه می‌خواهند رفیق اصولی و ارجمند ما را به اعمال ماجراجویانه و شعارهای بی‌مورد و خلاف قانون در صحنه آشکار مبار زه متهم سازند، به شهادت عدهٔ کثیری از وطن پرستان کشور از ریشه رد می‌گردد.**

**هم اکنون صدای اعتراض جدی هزاران تن از افراد کشور بلند است و با قطعیت تمام قانوناً خواهان رهایی هرچه زودتر دستگیر پنجشیری این فرزند صدیق و وطن پرست کشور می‌باشند.**

## وکیل حقیقی مردم زحمتکش پنجشیر کیست و توطئه گران و قانون شکنان کیانند!

**جریان دموکراتیک خلق افغانستان که مبارزه در راه تأمین دموکراسی و استقرار آزادی‌های دموکراتیک مردم را جزیی از پیکار رهائی‌بخش ملی و اجتماعی خویش می‌داند، طبق اصول خود به‌صورت پیگیر و بلا انحراف در تمام ساحه‌های مبارزات دمکراتیك اشتراك کرده و آن را در جهت بیداری و احیا و ارتقا شعور مردم افغانستان و افشای ماهیت ارتجاعی طبقات حاکمه ستمگر توسعه داده است. ولی در مقابل، ارتجاع افغانستان طبق خصلت خود قدم به قدم در راه مبارزات مشروع ملی و خلقی ما موانع پیم ایجاد کرده و به خاطر استتار اعمال رسوای خود سد راه فعالیت‌های دموکراتیك و مسالمت آمیز ما گردیده است.**

**حادثه اخیر در ولسوالی پنجشیر هنگام رأی گیری برای ولسی‌جرګه، به‌روشنی نشان داد که ارتجاع و استبداد افغانستان در برابر تمنیات و خواست‌های عادلانه خلق وطن حاضر است مرتکب هرگونه اعمال وحشیانه و ضد قانونی گردد. این واقعیت را گرفتاری و حبس سنگین رفقای وطن پرست و ترقی‌خواه ما دستگیر**



هادی کریم

**پنجشیری و هادی کریم در مقیاس سرتاسری افغانستان تائید و تثبیت کرد.**

(ص ۳)

دوکتور اناهیتا (وکیل دورهٔ دوازدهم ولسی‌جرګه)

# انتخابات دورهٔ

## سیزدهم شوری چگونه پایان یافت؟ تأمین آزادی کامل انتخابات

### در کدام شرایط ممکن است؟

انتخابات دورهٔ سیزدهم شوری پایان یافت. در جریان انتخابات، خلق افغانستان یک بار دیگر به‌طور مشخص مشاهده کردند که چگونه مرتجعین، مستبدین و متنفذین محلی به دستیاری دستگاه ادارهٔ حکومت افغانستان که خود خدمتگزار طبقات حاکم در جامعه می‌باشد، اعمال نفوذ کردند. ارتجاع سیاه افغانستان با امکانات وسیعی که در اختیار دارد در پناه به‌اصطلاح «دموکراسی» و آزادی حقوق مسلم مردم را پامال منافع غارتگرانهٔ خویش نمود، تهدید، تخویف و تطمیع خلق هنگام رأی‌دهی و صرف صدها هزار و میلیون‌ها افغانی، ایجاد موانع گوناگون، کارشکنی‌ها و قانون شکنی‌های صریح امری رایج و عادی در جریان انتخابات بود که از طرف عناصر و نیروهای ارتجاعی، مستبدین و متنفذین محلی و محافل حاکمهٔ ستمگر و ارتجاعی اعمال گردید.

انتخابات دورهٔ سیزدهم شوری نشان داد که چگونه مواد قانون به نفع طبقات حاکم در جامعه، از طرف دستگاه ادارهٔ حکومت افغانستان و قضاء تفسیر، توجیه و تعبیر گردید و چگونه به بهانهٔ قانون در برابر عناصر وطن‌پرست و ترقی‌خواه جریان دموکراتیک خلق افغانستان و سایر اشخاص ملی و مترقی و به زیان منافع خلق رنجدیده کشور اعمال صریحاً قانون‌شکنانه به عمل آمد.

ارتجاع سیاه کشور در انتخابات اخیر صف بندی وسیعی را به وجود آورد تا جلو پیروزی کاندیدهای وطن‌پرست و مترقی را سد نماید و نمایندگان و گماشتگان آن آخرین سعی و تلاش خود را جهت راه یافتن به پارلمان به خرج دادند، ایشان از هر گونه وسایل پست و کثیف درین امر احتراز نجستند، در حوزه‌های انتخاباتی و بخصوص در آن حوزه‌هایی که کاندیدهای وطن‌پرست و مترقی وجود داشتند مرتجعین و متنفذین محلی علاوه بر استفاده از وسایل گوناگون دیگر سیلی از پول را در جریان انداختند تا «موفقیت» خود و ناکامی کاندیدهای آزادی خواه و وطن‌پرست و به‌خصوص کاندیدهای مبارز ترقی‌خواه و وطن‌پرست جریان دموکراتیک خلق افغانستان را مسلم گردانند. به‌قرار تخمیناتی که وجود دارد می‌توان گفت در جریان انتخابات اخیر در حدود چهارصد تا پنجصد ملیون افغانی از طرف کاندیدهای مربوط به نیروهای ارتجاعی حاکم در جامعه به غرض فریب خلق و پامال کردن حق رأی ایشان به مصرف رسیده است.

به جرأت می‌توان گفت هر گاه

(ص ۳)

## مبارزات انتخاباتی جریان دموکراتیک خلق افغانستان در کابل

## ببرک کارمل کاندید حوزه دوم شهر کابل علی رغم مقاومت ارتجاع پیروز گردید

ببرک کارمل وکیل دورهٔ جا ری ولسی‌جرګه (دورهٔ دوازدهم شوری) حسب اصول مبارزه ما به حیث کاندید مهم و پرارج جریان دموکراتیک خلق افغانستان از حوزه دوم شهر کابل برای دورهٔ سیزدهم ولسی‌جرګه داوطلب وکالت شوری گردید.

در جریان مبارزات انتخاباتی علی رغم دسایس و توطئه‌های آشکار و پنهانی ارتجاع و عمال قسم خوردهٔ دستگاه حاکمه، در ردیف صورت‌های دیگر مبارزه، از مبارزهٔ انتخاباتی نیز برای بیداری شعور سیاسی و طبقاتی مردم، افشای ماهیت طبقات حاکم در جامعه و در جهت دفاع از منافع خلق در مرکز کشور، استفاده وسیع به عمل آمد.

ببرک کارمل طی این مدت کوتاه با ده‌ها هزار نفر از طبقات و اقشار دموکراتیك شهریان کابل تماس و پیوند نزدیك حاصل کرد و پرچم داران رزمندهٔ جریان پر افتخار ما پیرامون وی در امر بسط و توسعه این تماس‌ها و تحکیم هر چه بیشتر پیوندها نقش ارزنده‌یی ایفا کردند.

مبارزات انتخاباتی بیشتر از همه در (حوزهٔ دوم) شهر کابل گرم و موضوع عمدهٔ روز بود، این مبارزه مظهری از نبرد سرسخت طبقاتی آشکارا و روي صحنه، به‌طور مشخص مبارزه بین ارتجاع و ترقی بود (مطلوب به‌طور عام است نه کاندیدهای مشخص حوزهٔ دوم).

ببرک کارمل در جریان مبارزات انتخاباتی بیانیه‌های متعددی در برابر اجتماعات بزرگی که عدهٔ اشتراك کنندگان هر یك از آن‌ها به هزاران نفر می‌رسید، ایراد کرد.

(ص ۴)

# بازهم توقیف غیرقانونی پرچم

شماره بیست و پنجم پر چم (۲۱ سنبله) قبل از توزیع بر اساس تصمیم قبلی از طرف څارنوالی تو قیف گردید. څارنوالی نتوانسته است هیچگونه استناد قانون را برین عمل خود که منجر به جلوگیری از نشر و توزیع پر چم گردید، ارائه نماید. به‌جز اینکه اسم چنین حرکتی را فقط یک عمل کیف مایشاء گذاشت و دیگر توجیهی نمی‌تواند داشته باشد.

خاطر نشان می‌گردد که این اولین بار نیست که پرچم توقیف می‌گردد، بلکه در عمر کوتاه نشراتی آن که بیش از یک سال و نیم از آن نمی‌گذرد، چندین بار مورد تهدید قرار گرفته است. ما این عمل ضد دموکراتیك را که تکرار محض و غیرقانونی عمل قبلی آنان در مورد »پرچم «است تقبیح و به آن اعتراض می‌نماییم؛ و باید متذکر شد که در شماره توقیف شده پرچم (شماره ۲۵) علاوه بر حمله جدی به ارتجاع و امپریالیزم، دفاع جدی از رفقای مبارز و وطن‌پرست خویش که اخیراً به‌طور غیرقانونی و شیوه ظالمانه‌یی زندانی گردیده‌اند، ضمن طرح مطالب روز از قبیل تبصرهٔ تحلیلی در بیست و چهارمین اسامبله عمومی ملل متحد و غیره مقالات متعدد، گزارش مفصلی هم راجع به پیروزی جریان دموکراتیک خلق افغانستان در مبارزات انتخاباتی کابل و افشای توطئه‌ها و دسایسی که در کار بوده است، تقدیم شده بود.

## مراسم صدمین سالگرد تولد موهنداس گاندهی در هند و اشتراک خان عبدالغفار خان در آن

امسال مصادف به صدمین سال تولد موهنداس کرمچند گاندهی می‌باشد. تمام مردمان دارای حسن نیت جهان و ملت بزرگ هند این واقعه بزرگی را برگزار می‌نمایند.

گاندهی به حیث رهبر جنبش آزادی بخش ملی نیم قاره هند مورد احترام عمیق می‌باشد، نام وی با دورهٔ طولانی مبارزه قهرمانانه ضد استعمار مردم هند به خاطر آزادی و از بین بردن سامراج (رژیم بیگانه) در نیم قارهٔ هند توأم می‌باشد. گاندهی در سال ۱۸۶۹ متولد گردید، تعلیمات خود را در هندوستان و سپس انگلستان به پایان رساند، و به حیث وکیل دعوا در افریقای جنوبی شروع به کار نمود. سازمان کانگرس ملی هند را پی ریزی نمود، رهبری دلاورانه مبارزه کارگران هندی مقیم افریقای جنوبی و فعالیت شدیدی که

(ص ۲)

## اتحاد شوروی بیستمین سالگرد تأسیس جمهوریت توده‌ای چین را تبریک گفت

هیأت رئیسه شورای عالی و شورای وزیران اتحاد شوروی سوسیالیستی بیستمین سالگرد تأسیس جمهوریت توده‌ای چین را به صدر جمهوریت توده‌ای چین، کمیته دایمی کانگرس ملی خلق چین و شورای دولتی جمهوریت توده‌ای چین تبریك گفت؛ که متن کامل تلگرام تبریک به‌قرار ذیل است: »به نمایندگی از مردم اتحاد شوروی تبریکات صمیمانه و بهترین تمنیات خود را به مناسبت بیستمین سالگرد جمهوریت توده‌ای چین به ملت چین می‌رسانیم.

تأسیس جمهوریت مردم چین پیروزی تاریخی مبارزه انقلابی خلق کارگر چین به خاطر رهایی‌شان از یوغ امپریالیزم و استثمار بود. این مبارزه تحت تأثیر مستقیم انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر در روسیه انکشاف نمود و به‌طور ثابت باهمدردی گرم، پشتیبانی و معاونت مردم شوروی و دولت شوروی مواجه

(ص ۴)

**(له لومړی مخ نه)**

# د نه ماتیدو راز له خلکو سره ...

له همدی کبله ده چه د افغانستان د ملي او اجتماعي آزادي ببنوونکی مبارزی په اوږدو کښی تر اوسه پوری په هیواد کی ارتجاعی حاکمه قدرتونو، استعماری او امپریالیستی قوتونو د خلکو د پرګنو د له بیرته پاتی والی څخه بده ګټه اخیستی ده او ږښتنی ملی او دموکراتیك قوتونه ترقي غوښتونکی او هیواد پالونکی د خلکو او هیواد خدمتګاران چی د مبارزي په مختلفو مرحلو کی، د خپلو تورو نقاب پو شا نو په وسیلی د خپلو جاسوسانو او ځیره خوارو په واسطی په بیلو بیلو نومونو تومتی کړی دی، تر څو چه هغوی له خلکو څخه بیل کړی. په همدی دلیل ده چه هر کله چه خلکو حقایق او دسیسی تشخیص کړی دی ارتجاعی حاکمه قدرتو د خپل شرموونکی ژوند د بقا د پاره د اختناق، ترور، وژلو، بندی کولو او زندان ته د اچولو له لاری په تعرض لاس پوری کړیدی.

همدا اوس دا حیاتی او غوره مسأله تر بحث لاندی ده چه آیا د افغانستان د حاکمه ارتجاعی قوتونو مزورانه نقشه به دا نه وی چه په فیوډالی نظام کی د قلابی دموکراسی تر نامه لاندی په حقیقت کی دهیواد د مترقي او وطن پرستو قوتونو په ضد په یوی نا پاکی متحدی جبهی کی ټول ارتجاعی تور قوتونه سره متحد کړی، تر څو چه په لومړی ګام کی له خلکو څخه د مترقي او وطن پرستو قوتونو د جلا کولو د پاره اساسی زمینه برابره کړی او تر هغه وروسته یی زندانونو ته ورواچوی او یا یی په دار وځړوی؟

دکارګرو د طبقی د ګوندونو او مترقي نهضتونو تاریخ مور ته درس را کوی چه که یو مترقی او وطن پرست سیاسی سازمان دخلکو له سترو پرګنو، له ټولو زیارکښو (استثماریدونکو) سره پراخه رابطه ونلری او ونشی کولای چه د خلکو غوښتني او ارتیاوی تشخیص کړی، چه په هری محلی کښی دغه شعارونه لا درست، لا ژوندی، لا مؤثر، لا خلاق شی او لا مایه پیدا کړی. دا د انقلابی تیوری قانون دی. دا هغه توده‌ای تګ لار ده چه خلك آزادی ته استفادی سره په یرغل او هجوم لاس پوری کړی او په نتیجه کی یی د ترقی غوښتونکو او وطنپرستو قوتونو د بریالیتوب مخه نیولی ده.

له همدی ځایه ده چه له خلکو سره د تماس ضرورت مطرح کیږی. له خلکو سره تماس د کوم منظور د پاره یو ضرورت بلل کیږی؟

له خلکو سره تماس د کوم منظور د پاره حس کیږی:

لمړی د خلکو د پرګنو د روحیاتو او عاداتو د درك او د هغوی د غوښتنو د تشخیص په منظور (دا د خلکو شاګردی ده) تر څو چه د هغو په اساس خپله صحیح خلقی تګلاره او د مبارزی د پاره سم شعارونه طرح کړای شی. دوهم په هر ټاکلی زمان او ځای کښی د مبارزی د شعارونو د خپرولو، تبلیغ او توضیح په منظور (د خلکو د معلم په حیث) تر څو چه خلك وکولای شي دغه شعارونه خپل وګڼی او د مبارزی په جریان کښي د هغوی په سموالي او حقانیت باندی اعتقاد پیدا کړی په نهضت پوری زړه وتړی.

باید وپوهیږو چه د دغو دوو منظورونو ترسره کول په بروکراتیك ډول، د (اداری او سیاسی دفتر) د میز له شانه ممکن نه دی. د دغو دوو منظورونو د تحقق لپاره ښایی چه خلکو ته ورسو، له هغو نه زده کړو، د هغو تجربی او نظرئی را ټولی کړو او په فشرده ډول له هغو نه روښانه شعارونه را وباسو بیا بیرته خلکو ته ورسوو، دغه نظرئی او شعارونه ورته توضیح کړو، تر څو چه خلك د تجربی او عمل له لاري هغه خپل وګڼی او په آګاهانه ډول ورځنی فعالیت او مبارزی ته جلب شی، دغه کار باید څو څو ځله تکرار شي ترڅو جلب نشی او د خلکو د پرګنو په فعالیت کښی د ملاحظی وړ زیاتوالی را نشی د ملی او اجتماعی انقلاب بریالیتوب ممکن ندی.

د انقلابی نهضت بریالیتوب هغه رسوی.

پرته له دی چه د خلکو د ژوند ځرنګوالی، د خلکو دردونو، د خلکو غوښتنو ته لکه غله، ځمکه، کار، ډوډی، سون، دوا، طبیب، مکتب، جامی، هستوګنځی، ازدواج، کورنی، هوسایی، د محلی متنفذینو د ظلم او ستم څخه خلاصون او ډیرو داسی نورو مسائلو ته ژوره پاملرنه وشی، نشو کولای چه خلك نهضت ته راوبولو او دهغوی مشکلات حل کړو.

**علمی تیوری وایی چه:**

د نهضت سرته رسول د خلکو په پرګنو باندی په اتکا سره او د ټولو خلکو په ګډون سره کیدای شی. د نهضت کار یواځی د څو تنو سره چه له خلکو نه جلا (نعره بازی) کوی وړاندی بیول کیدای نه شی.

د کارګرو د طبقی او د نوی تیپ ګوندونو تجربی، مونږ ته دا راښیی چه باید سیاست او د کار صحیح سبك تل په ټاکلی زمان او ځای کښی د خلکو له غوښتنو سره سم وي تر څو چه له خلکو سره زمونږ د پیوند مزی ټینګ کړی. ځینی طفلانه ناروغی لکه سکتاریزم، دګماتیزم، ماجراجوئی، قدرت فروشی او تندخوئی، چپروی او چپ نمائی او انقلاب ګرانه شعارونه د توده‌ای تګ لاری په لحاظ زیان رسوی او دغه ناروغی مونږ له خلکو څخه جلا کوی. باید په نظر کښی ونیسو چه اجتماعی انقلاب په (سفارش او له خارج څخه په صدور) یا په تمایل او تحکیم، استخدام او څو تنو ته په پیسو ورکولو، فحش او شکنځلو او په دروغو ویلو سره اجرا کیدی نشی؛ که د زیارکښو د پرګنو په جلب نشی او د خلکو د پرګنو په فعالیت کښی د ملاحظی وړ زیاتوالی را نشی د ملی او اجتماعی انقلاب بریالیتوب ممکن ندی.

د انقلابی نهضت بریالیتوب هغه وخت ممکن کیدای شی چه یو د نوی تیپ سیاسی سازمان وکولای شی له خلکو سره خپل پیوند ټینګ کړی او د هغو د ارتیاوو او غوښتنو سره سم عمل وکړی او د رهبری او ستراتیژی او سیاسی تاکتیك د صحت په وسیلی (چه دخلکو پراخی پرګنی د هغو په صحت باندی د خپلو تجربو له لاری باور پیدا کوی) د خپلی پیش آهنګی اهلیت او سازمانی انضباط تأمین کاندی.

زمونږ د هیواد په شرایطو کی لیدل کیږی چه د خلکو پراخی پرګنی زیاد دردونه، شکایتونه او ارتیاوی لری، خو له ذهني نظره په دغو ارتیاوو او د خپلو دردونو په علت نه پوهیږی. په دغه صورت کښی مونږ باید د خلکو په مینځ کښي د پیګیر او توضیحی کار په صبر او زغم مخ په وړاندی بوزو، تر څو چه په خپله د خلکو پرګنی تصمیم ونیسی نه دا چه مونږ د هغو په ځای تصمیم ونیسو.

هر هغه کار چه پرته د خلکو له پوهی او خبرتیا او تمایل نه وشی له ماتی سره مخامخ کیږی. له همدی جهته د افغانستان ټولو ترقي غوښتونکو او دموکراتیکو عناصرو ته بلنه ورکول کیږی چه خپله هوښیاری زیاته کړی او له خلکو سره خپل پیوند ټینګ کړی، د زړه له کومی له خلکو سره مینه ولري د هغو فریادونو ته په دقت سره غوږ ونیسي، د هغوی ارتیاوی تشخیص کاندی، په خلکو کښی ووسی (حتی تر ټاکلی اندازی) له هغوی سره ګډ شی، د هیواد دخلکو د پراخو پرګنو د پوهی د اوسنی سطحی په نظر کښی نیولو سره د ټولنی د عقایدو، روحیاتو، دودونو، عنعناتو او شرایطو په نظر کښی نیولو سره د هغوی د ویښولو او د هغوی د سیاسی شعور او پوهي د لوړولو، د هغو په تشکل کښی جدی مرسته وکړی.

که د خلکو پرګنی لاپوهیدلی نه وي او په ارتجاع باندی په تعرض لاس پوری کیږی دا به د کین لاس اپورچونیزم یعنی ماجراجوئی او چپروانه فعالیت وی. دا سی ټګلاره مونږ له ماتي سره مخامخ کوی او دا به په بیرته پاتی عناصرو پسی تګ او د بنسی لاس اپورچونیزم وی چه که چیری د خلکو پرګنی تعرض او وړاندی تګ لاس نه پوری کوو.

ویل کیږی چه »له خلکو سره تماسی په حقیقت کښی یو علمی تحقیق دی «ځکه چه له دغی لاری دا معلومولای شو چه آیا خلکو حقیقت درك کړی دی، آیا اقدام ته چمتو دي که نه؟ خو دلته دا پوښتنه مینځ ته راځي چه له کومی لاری او په څه شکل کولای شو له خلکو سره تماس پیدا کړو؟

**د خلکو له پرګنو سره د تماس لاری او شکلونه:**

د یو نوی تیپ سیاسی سازمان د قانونی والی او علنی توب په دوران کښی له خلکو سره تماس او پیوند د کمال حد ته رسیږی. له همدی جهته ده چه ترقي غوښتونکی قوتونه د مبارزی د نورو اشکالو او صورتونو د جدي په نظر کښی نیولو سره او په ماهرانه ډول د هغو به تلفیقولو سره هڅه کوي چه د علنی فعالیت حق لاس ته وروڼی. باید په نظر کښی ونیسو چه دا د حاکمه ارتجاعی هیأت دسیسه ده چه په مترقي او وطنپرستو قوتونو او د زیارایستونکو په تیره بیا د کارګرو د طبقی په سیاسی سازمان باندي پټ او حتی (غیرقانونی) فعالیتونه تحمیل کوی، په هر صورت دا د افغانستان د مترقي او دموکراتیکو عناصرو وظیفه ده چه (په اداراتو، فابریکو، چاپخانو، سرویسونو او نورو) په کنفرانسونو کښی، په لویو او کوچنیو ټولنو کښی مظاهرو کښی، اعتصابونو کښی په انتخاباتی او پارلمانی مبارزو کښي، په ولایتی او کلیوالی جرګو کښی، په ښاروالیو کښی، په کارګری او صنفی اتحادیو کښی، ورزشی کلوپونو، فرهنګی و ادبی انجمنونو او نورو کښی (که څه هم دغه د خلکو او مترقی او دموکراتیکو سازمانونو له خوا یا ارتجاعی حاکمه هیأت له خوا تشکیل شوی وی) په هر شکل چه وی له دموکراتیکو یا غیردموکراتیکو شرایطو سره متناسب له خلکو سره د خصوصی برخورد له لاری په فعال ډول او هوشیاری سره له خلکو سره تماس ټینګ کړی، د حقایقو د توضیح، تبلیغ، ترویج او تشریح کار او په هیواد کی د ارتجاع او استبداد د بربنډه کولو په چارو لاس پوری کړی او په میرانه د مبارزي په سر کښی و دریږی. په (بیماری کود کی «چپ رویی...» ) کښی ویل کیږی ...«او باید په هغه ځای کښی کار وکړو چه هلته خلك او پرګني شته، باید هر ډول فداکاری ته غاړه کیږدو، او تر ټولو لوی خندونه له مخی لری کړو تر څو چه وکولای شو په منظم ډول او سرسختی سره په مصرانه او صبورانه ډول په هغو موسسو او هغو ټولنو او اتحادیو کښی چیرته چه پرولتری پرګنی (مزدورکارګران) یا نیم پرولتری پرګنی موجودی وی او که څه هم دغه اتحادیی یا ټولنی ډیری ارتجاعی وی تبلیغ او ترویج وکړو» د همدی اثر په بل ځای کښی ویل کیږی چه: «باید د انتقاد هدف هغه هم د ډیر شدید، ډیر بی امانه او ډیر نه پخلاکیدونکی انتقاد هدف پارلمانی فعالیت نه بلکه هغه کسان وی چه نه غواړی په پارلمانی انتخاباتو او د پارلمان تریبیون څخه په انقلابی... توګه استفاده وکړی.»

یواځی دغسی انتقاد... به خلکو پرګنی وروزی تر څو چه سیاسی اوضاع باندی په درستی سره پوه شی او هغه وظایف چه له دغی اوضاع څخه ناشی کیږی او د ډیر ځله دیری پیچلی وی درك کاندی ښائي چه ددغه مضمون د پاره کافی وی!

په پای کښی د یوی قاعدی او د ټولو حیاتی مسألی په ډول ویلی شو چه: هغه وخت چه د افغانستان دخلك دموکراتیك ترقي غوښتونکی او پیش آهنګی قوت د خلکو له پراخو پرګنو سره، د ملت له ستر اکثریت سره خپل ارتباط او تماس وساتی او (د زیارکښو له خورا پراخو پرګنو سره ارتباط ټینګ کړی او نږدی شی او حتی تر ټاکلی اندازی له هغو سره ګډ شی...) نه ماتیدونکی به شی.

له همدی ځایه ده چه باید مونږ له خلکو سره ربښتنی مرسته وکړو تر څو چه په ټینګ ایمان سره دا درك کړی چه مونږ په واقعی ډول د دوی د ګټو بیانونکی او زمونږ ژوند د دوی د ژوند سره نه بیلیدونکی پیوند لری. مونږ باید د خلکو له پرګنو سره د زړه له کومی مرسته وکړو تر څو چه دوی د نهضت وظیفی وپیژنی او په دغه ډول د نهضت ملاتړ وکړی او د ګران افغانستان په ګوټ، ګوټ کښی هغه خپور کړی، زمونږ شعارونو، زمونږ ستراتیژی او سیاسی تاکتیک ته مثبت ځواب ورکړی او د ملی او اجتماعی آزادی ببنونکی نهضت د بریالیتوب په لاره کښی مبارزه وکړی.

دلته دی د خلکو د دښمنانو د مغلوبولو راز!

دادی زمو نږ د نه ماتیدو راز!

له خلکو سره د پیوند او تماس په لاره کښي مخ په وړاندی!

**(ببرک کار مل)**

**(از ص اول)**

# مراسم صدمین سالگرد تولد ...

وی بر ضد سیاست تبعیض و ستم اجرا نمود باعث شهرت جهانی وی گردید. گاندهی به هندوستان برگشت و در اثنای حرب اول جهانی فعالیت سیاسی خویش را در هندوستان آغاز نمود، واقعات و تغییرات بزرگ ۱۹۱۷ جهان مثال الهام بخشی برای تمام ملت‌های تحت ستم در شرق قایم نمود. تحت تأثیر همین واقعات بود که در سال ۱۹۱۸ جنبش نیرومند ضد امپریالیزم برتانیه در هندوستان آغاز شد توده‌های وسیع مردم تحت رهبری گاندهی به این نهضت جلب گردید. قبل از گاندهی، رهبری بورژوائی کانگرس ملی هند می‌کوشیدند نارضایتی مردم هند و دیگر مسایل مربوط را از طریق مذاکره و سازش با امپریالیزم برتانیه بدون اشتراک توده‌های وسیع مردم هند حل و فصل نمایند، در تحت رهبری گاندهی کانگرس ملی هند به یك سازمان توده‌ای سرتاسر هند مبدل شد و شکل یك جبهه وسیع ضد امپریالیستی را به خود گرفت.

گاندهی تا زمان استقلال هند (۱۹۴۷) رهبر جنبش ضد امپریالیستی بود. گاندهی در راه تأمین اتحاد هندوها و مسلمانان هند شجاعانه مبارزه کرد. اداره استعماری بر اساس پرنسیپ سیاست استعماری (تفرقه بیانداز و حکومت کن) اختلاف بین هندوها و مسلمانان را تشویق می‌نمود. امروز هم نیروهای ارتجاعی هند آن را دامن می‌زنند، گاندهی بر ضد این پدیده سیاست سمت معماری به نام وحدت توده‌ها، به نام مبارزه ضد استعمار و مطابق به آرمان‌های بشردوستانه مکتب خودش مبارزهٔ پیگیری را پیش برد، این مأموریت شریف وی ضدیت خاصی را در برابر وی در محافل ارتجاعی هند به وجود آورد و همین امر سبب شد که در سال ۱۹۴۸ توطئه مرگ او را چیدند.

گاندهی بر ضد سیستم کاست (زمره) که در بین مردم هند رایج بود سخت مبارزه می‌نمود.

گاندهی در راه احقاق حقوق آن زمره از مردم هند که در سیستم کاست ناملموسی نامیده شدند مبارزه شدیدی را پیش برد، وی می‌گفت آزادی واقعی وقتی به وجود می‌آید که پست‌ترین گروه و زمره مردم از حقوق کامل بشری برخوردار گردند.

عدم تشدد که در حقیقت افاده آرمان‌های صلح‌جویانه و بشردوستانه گاندهی بود پرنسیپ رهبری کننده فعالیت و مبارزه سیاسی و اجتماعی وی محسوب می‌گردید.

همسایا یا عدم تشدد نزد تمام کسانی که از صلح طرفداری می‌کنند، ضد تهدید جنگی مبارزه می‌کنند و از نفی تشدد و جنگ از جامعهٔ بشری پشتیبانی می‌کنند گرامی می‌باشد. ولی در جهان امروزی، جهانی که امپریالیزم هنوز از تعرض دست بردار نشده و در کشورهای سرمایه داری استثمار انسان از انسان شدت می‌یابد، در جهانی که خلأ بین غنی و فقیر روز تا روز عمیق‌تر می‌گردد، در زمانی که استعمار نوین و امپریالیزم استقلال و آزادی بسیاری از کشورها را هنوز تهدید می‌نماید مطالعه پرنسیپ عدم تشدد به‌طور مجرد و جدا از زمینهٔ تاریخی، در بعضی موارد به نفع نیروهای متجاوز و جنگ تمام می‌شود، از آن رو نمی‌توان پرنسیپ عدم تشدد را بدون در نظر گرفتن شرایط اوضاع و احوال تحت مطالعه قرار درد.

مردم هند گاندهی را به حیث یکی از فرزندان شان و یکی از بنیان گذاران دولت هند احترام می‌کنند، آن‌ها او را به خاطر سهمش در مبارزه ضد استعماری و آزادی کشور از یوغ بیگانه و به خاطر آرمان‌های شریفش محترم می‌شمارند.

***

خان عبدالغفار خان زعیم بزرگ پښتونستان غرض اشتراك در مراسم صدمین سالگره تولدی گاندهی رهبر جنبش آزادی‌بخش ملی هند بروز چهارشنبه اول اکتوبر ۱۹۶۹ ذریعهٔ طیاره هندی به هندوستان مسافرت نمود.

پاچا خان که در راه حصول استقلال نیم قارهٔ هند و طرد استعمار از آن، دوشادوش گاندهی و دیگر زعمای هند قهرمانانه جنگیده، حین ورود به میدان هوائی پالم از طرف میرمن اندرا گاندهی و دیگر رجال بزرگ دولتی و اجتماعی هند به گرمی پذیرائی گردید. پاچا خان که بعد از ۲۲ سال به کشور هند، کشوری که در آزادی و استقلال آن سهم بزرگی و نقش ارزنده داشت وارد گردید، از میدان هوائی تا محل اقامتش از طرف ده‌ها هزار نفر با شعارهای »زنده باد پاچا خان! «استقبال گردید. قرار اطلاع رادیو دهلی مردم هند از پاچا خان آن‌قدر با حرارت پذیرائی کردند که در طول مدت استقلال هند از هیچ مهمان غیردولتی چنین استقبالی به عمل نیامده بود.

رادیو دهلی اعلان نمود که پاچا خان نسبت تشدد و نفرت عمومی که در هند شیوع یافته با وجود علالت مزاج برای ده روز، روزه گرفته است. قرار معلوم روز سوم روزه خان عبدالغفار خان در تمام هند برگزار خواهد گردید. مردم هند به پاچا خان به خاطر مبارزات قهرمانانه ضد استعماری‌اش و نسبت آرمان‌های شریفانه بشردوستی، صلح‌دوستی و سهم بزرگش در تأسیس دولت مستقل هند عمیقاً احترام دارند و بنا بر احترام صمیمی ملت کبیر هند به شخصیت بزرگی پاچا خان است که جایزه صلح نهرو نیز به وی اعطا می‌گردد.

**پرچم**

**صاحب امتیاز : سلیمان لایق**

**مدیر مسؤول: میر اکبر خیبر**

**تیلفون: ۲۳۱۶۴**

تایپ متن قاسم آسمایی
ویرایش جدید: عمر فیض

(ار ص اول)

# اعمال قانون شکنانه ...

پرچمدار شجاع و مبارز ما عبدالهادی کریم که رفیق با تقوی و پاکیزه ماست و سابقه طولانی در کسب و درك ایدئولوژی مترقي و مبارزات ملی و مترقی افغانستان دارد، چهار سال و چند ماه قبل برای نخستین بار از طرف ج، د، خ، ا برای دورهٔ دوازدهم ولسی‌جرگه به نمایندهگی از مردم زحمتکش و نجیب پنجشیر کاندید شد و در آن‌وقت نیز در نتیجهٔ دسایس عناصر مرتجع و مستبد در انتخابات ناکام ساخته شد. مداخلات گذشته به وطن‌پرست دلیر عبدالهادی کریم و فرزندان زحمتکش پنجشیر تجارب فراوان داد و آنان را برای پیکارهای آینده من‌جمله مبارزه پارلمانی آبدیده‌تر و آگاه‌تر ساخت. پرچمدار ترقی‌خواه ما عبدالهادی کریم در چوکات قانون و به شیوه مسالمت آمیز مبارزه و شیوه نبرد مترقی در وضع کنونی در پیوند نزدیك با خلق رنجدیده پنجشیر توفیق یافت که اکثریت بزرگ رأی دهنده‌گان را با خود متحد سازد.

آمادگی برای اشتراك در دورهٔ سیزدهم شورای افغانستان در شرایطی صورت می‌گرفت که محافل حاکم ارتجاعی افغانستان در قبال نهضت‌های اخیر کشور (جنبش مطالباتی کارگران، تظاهرات عظیم شاگردان و محصلان، نشرات مترقی و غیره) بی‌حوصله‌تر و متجاوزتر شده بودند. وضع برای نیروهای ارتجاعی کشور طوری بود که دیگر برای آن‌ها امکان نداشت تا در برابر خواست‌های قانونی مردم مقاومت کنند و یا به رفع حد بسیار اقل نیازمندی‌های مبرم مردم و مطالبات ایشان بپردازند. ولی برعکس مجال نفوذ قدرت‌های جوان سیاسی خاصتاً، جریان‌های مترقی در توده‌های مردم بیشتر از پیش‌تر فراهم شده بود و امکانات تأسیس فراکسیون نیرومندتر ملی و خلقی، فراکسیون قوی جریان دموکراتیک خلق افغانستان در شورای بمیان آمده بود. محافل حاکمه ارتجاعی افغانستان که از لحاظ منطق و عقل سلیم افلاس کرده‌اند، به عادت همیشگی خود گرائیدند و اتکا بر دسایس، قانون‌شکنی‌ها، تخویف‌ها، دروغ‌بافی‌ها و بالاخره استعمال قدرت را مرجح دانستند. تعقیب این شیوه در برابر ده‌ها نفر کاندید ملی و مترقی به‌صورت عام و در مورد پرچمداران دموکراتیك خلق افغانستان (که در شماره‌های بعدی راجع به آنان صحبت خواهیم کرد) من‌جمله عبدالهادی کریم کاندید مردم پنجشیر و عبدالقادر بهیار کاندید مردم خان آباد به‌صورت خاص تحقق پذیرفت.

در مورد هادی کریم نخست سعی فراوان به عمل آوردند تا به‌وسیله تبلیغات ناروا و سوء، ایجاد خوف و رعب، وارد آوردن اتهامات نادرست و گماشتن مأموران دولت، مردم را از وی دور کنند و هرگونه وسایل قانونی پیروزی در انتخابات را از وی سلب نمایند؛ اما هنگامی‌که تمام این تلاش‌های سیاه مرتجعین، مستبدین و متنفذین محلی به ناکامی انجامید و نتیجه دو مرکز رأی گیری که مطلقاً به نفع هادی کریم بود اعلان گردید، توطئه علیه پرچمدار مبارز ما تا سرحد مرگ و زندانی ساختن وی تشدید یافت. بنا بر این علل عبدالهادی کریم خود را به کابل رسانید تا موضوع توطئه متنفذین، مستبدین و مرتجعین و اعتراض خود را بر اعمال ضد قانونی عناصر حاکم به مقامات مربوطه برساند. ولی از آنجائی که تصمیم قبلی در میان بود وی را خلاف قانون به زندان کاپیسا ارسال داشتند و به شیوه »محاکمه« و به اضطرار »وی را آناً« به سال حبس محکوم کردند. جریان یکجا شدن څارنوال و قاضی و آماده بودن قبلی صورت دعوی و حکم عاجل و برق آسا همه عناصر زنده‌یی هستند که به وضاحت نشان می‌دهد دستگاه حاکم تمام زمینه‌های این عمل خلاف قانون را قبلاً تهیه دیده و عجب اینکه صندوق رأی گیری عبدالهادی کریم را قبل از صدور حکم محکمه و خلاف حکم قانون برداشتند. در حالی که تا قطعیت حکم، هادی کریم را قانون نمی‌توانند محروم از حقوق سیاسی بدانند، چه قطعیت حکم وقتی تحقق پیدا کرده می‌تواند که فیصله در مورد وی از محاکم ثلاثه بگذرد و »جرم «وی تثبیت شود. بنابراین باید گفت که مطابق ماده ۲۶ قانون اساسی که در فقره نهم آن می‌گوید »برائت زمه حالت اصلی است، متهم تا وقتی‌که به‌حکم قطعی محکمه محکوم علیه قرار نگیرد بی‌گناه شناخته می‌شود» هادی کریم بی‌گناه است. در همین مورد باید به اعتراف خود داکتر ولید حقوقی رئیس کمیتهٔ مرکزی انتخابات منتشره در شماره تاریخی ۱۲/۵/۱۳۴۸ روز نامه اصلاح توجه شود که می‌گوید:

«اولین پرنسیبی که در پیش ما درین موضوع وجود دارد ماده ۴۶ قانون اساسی است که فقرهٔ دوم این ماده متذکر می‌شود، تا زمانی که یك شخص ذریعهٔ فیصلهٔ قطعی محکمه به حرمان از حقوق سیاسی محکوم نشده باشد مانعی برای کاندید شدن وی ازین رهگذر به وجود آمده نمی‌تواند. درین قاعده عمومی چند عنصر قانونی وجود دارد، نخست اینکه یک شخص برای اینکه کاندید شده نتواند باید به‌حکم محکمه محکوم شده باشد. حکم محکمه در چند حالت قطعیت حاصل می‌کند. اساس طرزالعمل قضایی موجود افغانستان حکم را در حالت آتی قطعی دانسته است:

اول در صورتی که در قباحات حکم از طرف محکمهٔ ابتدائیه بعدم سمع صادر شده باشد. شکل دومی که حکم کسب قطعیت می‌کند اینست که به‌حکم یك محکمه مدعی و مدعی علیه یعنی څارنوال و متهم هردو قناعت کرده باشند درین صورت نیز حکم قطعات پیدا می‌کند و قابل استیناف و تمیز نمی‌باشد و یا اگر در مرافعه باشد قابل تمیز نمی‌باشد. شکل عنعنوی قطعیت حکم فیصله محکمهٔ ثلاثه است یعنی وقتی قضیه هر سه محکمه را طی نماید. حکم تمیز به‌استثنای حالتی که در ماده (۱۰۰) قانون اساسی درج است دیگر در سایر احوال به مجردی که حکم صادر می‌شود قطعی دانسته می‌شود. پس تا زمانی که ازین سه شکل یك شکل خود را نه پیموده باشد ما این حکم را قطعی دانسته نمی‌توانیم و شخصی که تحت شرایط فوق نباشد قانون کاندید شدن او را مجاز دانسته است...»

روی همین اعتراف تشریحی که بناغلی حقوقی از قطعیات حکم نموده، قطعیت حکم هم در مورد هادی کریم و همچنان عبدالقادر بهیار که استیناف طلب است تحقق پیدا نکرده و علاوتاً با وصفی که وی خلاف قانون در مرکز سوم از حق رأی گیری محروم کرده شده است اکثریت آراء عمومی را در انتخابات ولسی‌جرگه در ولسوالی پنجشیر حایز شده است که قانوناً وکیل مردم پنجشیر در ولسی‌جرگه می‌باشد. چون تا کنون فیصله در مورد جرمی که هم بوی نسبت داده شده قطعیت حاصل نکرده و صرف در مرحله یك اتهام است فلهذا قضیهٔ مذکور از لحاظ قانونی تابع حکم ماده پنجاه و یکم قانون اساسی قرار می‌گیرد که می‌گوید: «هرگاه یك عضو شوری به جرمی متهم شود، ما مور مسؤول از موضوع به جرگه‌ای که متهم عضو آنست اطلاع می‌دهد و بعد از آنکه جرگه مذکور به اکثریت دو ثلث اعضاء اجازه بدهد، متهم تحت تعقیب عدلی قرار می‌گیرد...»

به اساس احکام صریح فوق عبدالهادی کریم خلاف قانون زندانی شده و به‌صورت ظالمانه از اشغال کرسی خود در پارلمان بازداشته شده است؛ و توطئه‌ای که برای گرفتاری عبدالهادی کریم چیده شده ظالمانه، ناشیانه و بچگانه و در عین حال خیلی عجیب و دراماتیک و برای مقامات حاکمه کشور رسوا کننده است.

به‌اصطلاح کهنه محاکم وی را سجل کرده‌اند و به‌موجب این سجل او را مستوجب ده سال زندان دانسته‌اند. اگر فرضاً عرف منسوخ سجل که قانوناً از بین رفته است مدار اعتبار مجدد قرار گیرد آیا کدام شخص ولو مقتدرترین شخص در افغانستان خواهد بود که نتوان علیه او صدها و هزارها نفر را به ترتیب همچو سجل کردن‌ها آماده ساخت؟ درین صورت کدام رئیس، کدام وزیر و کدام وکیل و کدام شخص متنفذ در دستگاه مدعی است که نمی‌توان وی را بدین‌ترتیب سجل نمود؟ آیا محافل حاکمه افغانستان حاضرند که سجل‌های شبیه را در مورد خود، گماشتگان و نمایندگان خود انفاذ نمایند؟ واقعیت اینست که قانون در کشور ما به‌صورت دردآوری وسیله و بازیچه مقامات حاکمه قرار گرفته است.

درین جا لازم می‌بینیم فهرست یک سلسله حوادث و واقعیات را در جریان مبارزات انتخاباتی پنجشیر در دسترس خوانندگان ارجمند پرچم بگذاریم و قضاوت نهائی را در مورد به ایشان واگذار شویم که ما ناقض قانون و اخلالگریم و یا خود مقامات حاکم کشور؟

- ایجاد ترس و بیم در مردم از طرف یک عده گماشتگان به نفع کاندید مطلوب و به ضرر هادی کریم در ولسوالی پنجشیر،
- مقرری «ولسوال» مطلوب، مطیع و قابل اعتماد جدید در پنجشیر تقریباً پانزده روز قبل از آغاز انتخابات،
- اظهارات یکی از متنفذین بنام در پنجشیر که قبل از شروع انتخابات می‌گفت:«من این‌طور و آن‌طور باشم... اگر هادی کریم در انتخابات کامیاب شود؛ و اگر هم کامیاب شود کشته و یا محکوم حبس ابد خواهد شد»،
- دست اندازی به عکس‌های هادی کریم و پاره کردن آن توسط مرتجعین و متنفذین محلی و ایجاد تحریکات از طرف آن‌ها،
- تبدیل شدن غیرمترقبه قوماندان امنیه ولایت کاپیسا که نمی‌خواست اضطراب و تشویش بی‌مورد در ولسوالی پنجشیر ایجاد گردد و تصادم وی با والی کاپیسا،
- گرفتاری و توقیف دستگیر پنجشیری، این وطن‌پرست و خدمتگزار خلق که برای رأی دادن به حوزهٔ انتخابات پنجشیر حاضر بود.
- نشستن ولسوال در دهلیز اتاقي که صنادیق گذاشته شده بود و مداخله صریح وی که به اعتراض قانونی هادی کریم مواجه گردید ولی مورد توجه واقع نشد،
- سر گوشی‌های ولسوال در حوزه انتخابات با فلان شخص متنفذ و عمال وی به‌صورت برهنه و علنی،
- تهدیدات پیهم رأی دهنده‌گان از طرف ولسوال پنجشیر،
- کنار کشیده شدن قاضی رئیس هیأت نظارت محلی به یك بهانه بروز نهم از حوزه انتخابات،
- برداشته شدن صندوق رأی گیری هادی کریم خلاف قانون بدون فیصلهٔ محکمه و قبل از محاکمه،
- زندانی ساختن ناگهانی هادی کریم و ندادن وقت بوی برای دفاع،
- اقامه دعوی علیه هادی کریم و محکوم نمودن برق‌آسای وی، آن‌هم در شرایط کشوری که قضایای مانند رشوت خوری‌های بزرگ، قتل و غیره ماه‌ها مدار حکم محکمه قرار نمی‌گیرد،
- سوق دادن یک عده اشخاص ناآگاه برای سجل کردن، لت و کوب عکاس هنگامی که وی درك کرد توطئه‌ای در کار است و از عکاسی امتناع ورزید و سجل نمودن هادی کریم خلاف قانون و خلاف کرامت انسانی.

## وکیل حقیقی ولسوالی پنجشیر کیست؟

هادی کریم صرف در دو حوزهٔ انتخاباتی (در ده روز رأی گیری) ۱۷۲۶ رأی به دست آورده است در حالی که برندهٔ دوم از میان کاندیدها که خلاف قانون به حیث وکیل پنجشیر اعلان شده است، فقط ۱۵۳۴ رأی را در سه حوزه انتخاباتی (در پانزده روز رأی گیری) کسب کرده است. ماده چهل و سوم قانون اساسی در مورد حکم می‌نماید ...«از هر حوزه یک نفر وکیل انتخاب می‌گردد. داوطلبی که در حوزه خود مطابق به احکام قانون رأی بیشتر حاصل می‌کند وکیل شناخته می‌شود و همچنان فقرهٔ اول ماده ۴۲ قانون انتخابات اعلام می‌دارد که «داوطلبان بر اساس کثرت آرائی که به دست می‌آورند تصنیف می‌گردند و هر کسی که از دیگران رأی بیشتر حاصل کرده کامیاب شمرده می‌شود.»

موضوع ضرورت به توضیح مزید ندارد، این را به خوانندگان ارجمند و افکار عامه مردم می‌گذاریم که قضاوت نمایند وکیل حقیقی مردم زحمتکش پنجشیر کیست و قانون شکنان و توطئه گران کیانند!

## توطیه در حوزهٔ انتخاباتی خان آباد

پرچمدار مبارز عبدالقادر بهیار کاندید دوره سیزدهم جریان دموکراتیك خلق افغانستان در ولسی‌جرگه از ولسوالی خان آباد قبل از کاندید شدن، به حیث یك مأمور پائین رتبه در ریاست ترانسپورت عمومی ایفای وظیفه می‌کرد. او توانست در جریان چند ماه با ایراد بیانیه‌ها و تماس وسیع با مردم زحمتکش خان آباد حمایت اکثریت رأی دهندگان را جلب و به حیث یك چهره ملی و مترقی تبارز نماید.

موقعیت نیك وی در توده مردم خان آباد باعث ایجاد بیم و هراس محافل حاکمه ارتجاعی و عده‌یی از حریفان انتخاباتی او گردیده و همین‌که ارتجاع علی رغم تلاش‌های ممتد خود درك کرد که نمی‌توان او را به وسایل غیرمستقیم از پای درآورد به ایجاد اتهام و توطئه مستقیم علیه او دست زد.

عبدالقادر بهیار به ساعت ۷/۵ بعد از ظهر روز چهار شنبه مورخ ۲۶/۶/۱۳۴۸ مطابق ماده (۳۷) قانون انتخابات شورا، بر قاضی خان آباد رئیس هیأت کمیته محلی انتخابات اعتراض نمود که وقت رأی دهی طبق ماده مذکور پوره شده و می‌باید طبق حکم قانون رأی گیری را متوقف، محضر را ترتیب و درب اتاق صنادیق را مهر و نشانی نماید. قاضی ازین برخورد قانونی بر آشفت و گفت: »به من امر می‌کنید، دستت خلاص، من به همین شکل رأی گیری می‌کنم «بعد بهیار اظهار داشت که درین صورت او مجبور است فردا شکایات خود را به کمیته مرکزی انتخابات مخابره نماید. جناب قاضی ازین سخن گویا برافروخته شد و با استفاده از تیلفون به رئیس محاکم ولایت کندز اطلاع داد که گویا قادر بهیار در برابر وی مصدر توهین و تهدید گردیده است. رئیس محاکم مانند شخص منتظرالحادثه قبل از تکمیل تحقیق و تثبیت جرم امر توقیف بهیار را بدون



قادر بهیار

«فوت زمان» باعجله صادر نمود و متصل آن ولسوال و قوماندان امنیهٔ خان آباد را مأمور تحقیق قضیه نمود. به این صورت مأموریت محکوم نمودن بهیار به دست قوماندان و قاضی‌ای که دستور قبلی در زمینه داشتند انجام شد، شهود را از جمله رقبای انتخاباتی گرفتند و با وصف وجود تناقضات در اوراق تحقیق به‌صورت برق آسا و بلاتوقف بهیار قوی‌ترین کاندید ملی و مترقی حوزه خان آباد را که پیروزی وی در همان مرکز اول رأی گیری یك امر مسلم بود به هفت ماه حبس و «حرمان از حقوق رأی گیری» علی رغم فقدان قطعیت حکم، محکوم نمودند و روشن‌ترین دساتیر قانون را که در مورد عبدالهادی کریم در همین شماره توضیح شده در مورد وی نیز زیر پا کردند. بدین ترتیب برنده مسلم انتخابات حوزهٔ خان آباد را با بی‌شرمی عیان از صحنه مبارزه و مسابقه انتخاباتی خارج نمودند.

صندوق رأی گیری بهیار قبل از صدور حکم قطعی و طی محاکم ثلاثه به دستور تلفونی... مرکز... از حوزه انتخاباتی برداشته شد و بدین گونه به مبارزه دلیرانه، وطن‌پرستانه و قانونی رفیق شجاع ما با زیر پا کردن قانون و تمام ارزش‌های حداقل دموکراتیك در حوزه انتخاباتی خان آباد خاتمه دادند.

***

**انعکاس افکار عامه در کشور مبین این حقیقت است که زندانی کردن ستمگرانه پرچمداران پیشرو و شرافتمند دموکراتیك خلق افغانستان موجب خشم و نفرت عمیق تمام عناصر ملی و مترقی و مردم کشور گردیده است و صدای اعتراض مردم از هر سو بلند است که جداً مطالبه می‌گردد باید این وطن‌پرستان پاکباز کشور از حبس رها شوند و مطابق به قانون حق مسلم عبدالهادی کریم به حیث وکیل قانونی مردم پنجشیر در ولسی‌جرگه، اعاده گردد.**

**جریان دموکراتیک خلق افغانستان وظیفهٔ شرافتمندانه مسلکی خود می‌داند که با تمام وسایل ممکنه قانونی به‌صورت قاطع، جدی و اصولی از رفقای قهرمان مبارز خود از هر جهت و به هر سویه دفاع کند.**

(از ص اول)

# انتخابات دورهٔ سیزدهم شوری چگونه پایان یافت؟

جریان انتخابات در سرتاسر کشور همان طوری که از طرف مقامات حاکمه ادعا گردیده است آزادانه صورت می‌گرفت و برای فعالیت‌های سوء و ضد ملی و ضد ترقي مرتجعین و مستبدین عرصهٔ وسیع تأمین نمی‌گردید، برای پیروزی عناصر آزادی خواه و وطن‌پرست من‌جمله کاندیدهای مبارز وطن‌پرست و ترقی‌خواه جریان دموکراتیك خلق افغانستان که تماس و پیوند نزدیك با توده‌های مردم تأمین کرده‌اند، در انتخابات امکانات وسیعی میسر می‌بود و اکنون فراکسیون قوی مترقی و انقلابی در شوری تشکیل می‌گردید.

بدیهی است تا انتخابات در شرایط موجودیت دسایس و توطئه‌ها ارعاب و خشونت صورت گیرد و به حقوق و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی، دستبرد زده شود و به بهانه تطبیق قانون، قانون شکنی‌ها به عمل آید، نمی‌توان اطمینان داشت که غالب حوزه‌های انتخاباتی به صحنه‌های مضحك و رسوایی برای به کرسی نشاندن نمایندگان تحمیلی طبقات حاکم مبدل نگردد.

تجربهٔ انتخابات دورهٔ سیزدهم شوری به‌وضوح نشان داد که در تحت شرایط دموکراسی فیودالی در جامعه طبقاتی ما، طبقات حاکم بیش از پیش برای بسط و توسعه نفوذ خویش در جمیع شئون حیات اجتماعی به‌طور آگاهانه استفاده می‌نمایند، زیرا زمینه‌های وسیعی بدین منظور در دسترس ایشان قرار دارد. ولی این امر به‌هیچ‌وجه به معنی آن نیست که نیروهای دموکراتیك و ملی و وطن‌پرستان و آزادیخواهان در چنین موارد و به‌منظور مبارزه در راه تحقق آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و تأمین آزادی‌های دموکراتیك و دموکراسی در جامعه بی اعتناء بمانند و یا در حیات سیاسی کشور فعالانه اشتراك نورزند.

شرکت فعال عناصر و نیروهای وطن‌پرست و دموکراتیك در مبارزه روزمره به‌منظور تجهیز توده‌ها و سازمان دادن مبارزات اقتصادی اجتماعی و سیاسی روزانه مردم که مبارزات انتخاباتی نیز جزئی از آنست راه را برای تحولات اجتماعی باز می‌نماید. باید جداً خاطر نشان ساخت تا وقتی که در جامعه ما تحولات عمیق اجتماعی و اقتصادی انجام نشود اصلاحات ارضی و دموکراتیك به نفع دهقانان زحمتکش و به اشتراك آنان صورت نگیرد، مناسبات فرتوت فئودالی و ماقبل فئودالی از کشور لغو نگردد، به تسلط و نفوذ نمایندگی‌های انحصارات خارجی در کشور خاتمه داده نشود، حیات اجتماعی و سیاسی و دستگاه اداره دولت از اساس دیموکراتیزه نگردد، فرهنگ ملی و سنت‌های مترقی وطن واحدمان افغانستان تکامل نیابد، سازمان‌های مترقی و انقلابی تأسیس و تحکیم نگردند، نمی‌توان به تحقق دموکراسی واقعی در جامعه در جهت منافع خلق اطمینان حاصل کرد.

برای انجام این امر لازم است که در راه بسیج توده‌های مردم افزایش نقش طبقه کارگر و دهقانان، اتحاد جوانان زحمتکش، محصلان و روشنفکران، قشرهای متوسط شهرها، محافل دموکراتیك و تمام نیروهای ترقی‌خواه و وطن‌پرست سعی به عمل آید، میان نیروهای پیشرو وطن‌پرست و ترقی‌خواه همکاری نزدیك ایجاد گردد و علیه نظرات و حرکات ضد ترقی مبارزه صورت گیرد و در غیر آن حتی تحقق حداقل آزادی‌های مصرح در قانون اساسی و من‌جمله انتخابات آزاد که از اراده واقعی توده‌های عظیم خلق افغانستان نمایندگی کند امکان پذیر نیست.

# پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک افکارو خپرونکی

۱۴ میزان ۱۳۴۸


# کنفرانس رباط

در تاریخ ۱۴۰۰ سال اسلام برای اولین بار کنفرانس سران کشورهای اسلامی افتتاح شد تا اگر در اطراف سیاست تجاوز کارانه اسرائیل و سوختاندن مسجد اقصی توسط افراطیون صهیونی تدابیر و تصامیمی اتخاذ نمایند. از جمله ۳۶ کشور اسلامی در این کنفرانس ۲۵ کشور سهم گرفتند. سوریه و عراق در این کنفرانس شرکت نکردند. در کنفرانس رباط ۶۰ ملیون مسلمانان هند، چهل ملیون مسلمانان اتحاد شوروی و میلیون‌ها مسلمان دیگر نقاط جهان نماینده نداشتند. در کنفرانس سران کشورهای اسلامی سران آن عده از کشورهای اسلامی نیز شرکت داشتند که نه تنها با مسایل مربوط به شرق میانه که ناشی از تسلط دورهٔ طولانی استعمار و مطامع امپریالیستی می‌باشد و هکذا به جنبش آزادی‌بخش ملي اعراب هیچگونه دلسوزی و همدردی نداشته‌اند، بلکه با همکاری نزدیك خود با محافل حاکمه امپریالیستی غرب و شرکت در پیمان‌های تجاوزکارانه امپریالیستی در شرق میانه جنوب شرق آسیا و پیمان تجاوزکار ناتو در اروپا پیوسته بر ضد جنبش‌های رهائی‌بخش و مبارزات ضد استبدادی و ضد امپریالیستی چه در کشورهای خودشان و چه در کشورهای دیگر آسیائی بخصوص در شرق میانه عمل کرده‌اند و می‌کنند و با اسرائیل مناسبات دیپلماتیك و تجارتی دارند. زمامدار یکی از این کشورها هم در بیانیه خود در کنفرانس از حقوق اعراب فلسطین، تجاوز صاعقه آسیای ۱۹۶۷ اسرائیل بر کشورهای عربی و اشغال سرزمین‌های متعلق به کشورهای عربی توسط اسرائیل، پشتیبانی دول امپریالیستی از اسرائیل و مسلح ساختن اسرائیل با طیارات «فانتوم» امریکایی تانك‌های چیفتن انگلیسی و سلاح‌های میکروبی آلمان غرب هیچ نام نبرد.

در کنفرانس سران کشورهای اسلامی ذواتی نیز سهم داشتند که به‌منظور همکاری با استعمار و امپریالیزم در کشور اسلامی خویش پایگاه‌های تجاوزکار امپریالیستی را اجازه داده‌اند و از همین پایگاه‌هاست که نیروهای استعماری و امپریالیستی از آن بر ضد کشورهای که با استعمار و امپریالیزم در پیکارند و همچنان دیگر کشورهای بی‌طرف اسلامی و به نفع اسرائیل استفاده نموده و می‌نمایند ولی این معنی آن را ندارد که نباید کنفرانسی از ممالك اسلامی تشکیل می‌گردید. منافع عالیه ملی خلق‌های کشورهای اسلامی، منافع صلح جهانی و هکذا وظایف مبارزه ضد استعماری و ضد امپریالیستی ایجاب می‌نماید که باید این کنفرانس شامل نمایندگان کافه مسلمانان جهان می‌بود و در این کنفرانس تصامیم جدی و قاطع به خاطر مبارزه مشترك بر ضد استعمار و امپریالیزم این دشمنان حقیقی مسلمانان جهان و تمام بشریت، این مسؤولین واقعی وضع بحران آلود و پرتشنج شرق میانه و آوارگی میلیون‌ها عرب اتخاذ می‌گردید.

ما آرزومندیم که سران کشورهای اسلامی با در نظر گرفتن حالت فلاکت بار ملت‌های مسلمان به‌طور عموم و حالت اندوهبار اعراب فلسطین بخصوص و مسببین واقعی این وضع (استعمار و امپریالیزم) جبههٔ مبارزه مشترك و وحدت عمل ضد امپریالیستی را دوشادوش دیگر بشریت مترقی تقویت بیشتر بخشند.

# اعلامیه حکومت انقلابی مؤقت جمهوریت ویتنام جنوبی

حکومت موقت انقلابی جمهوری ویتنام جنوبی به تاریخ بیست سپتمبر اعلامیهٔ نشر و در آن اظهار داشته است که خلق ویتنام و افکار عامه تمام جهانیان به وضاحت اعلان می‌دارند که بیرون کشیدن ۲۵ یا ۳۵ هزار عساکر امریکایی از ویتنام جنوبی مانوریست خائنانه و مکارانه به مقصد خوابانیدن افکار عامه، پوشاندن پلان‌های ادامه جنگ و دوام دادن به اشغال نظامی ویتنام جنوبی توسط ایالات متحده امریکا.

در بیانیه گفته می‌شود که هر گاه ایالات متحده واقعاً خواهان حل مسالمت آمیز پرابلم ویتنام جنوبی و خاتمه دادن شرافتمندانه جنگ است، باید به پیشنهادات ده فقره‌ای جبهه آزادی بخش ویتنام و حکومت موقت انقلابی جمهوری ویتنام جنوبی با جدیت جواب دهد، عساکر خود و متحدین خود را بدون هیچگونه قید و شرط به‌طور سریع و کامل خارج سازد، از پلان‌های حفظ اداره دست نشانده دست بردارد تا که مردم ویتنام جنوبی امور داخلی‌شان را خودشان بی مداخله خارجی حل و فصل کنند.

حکومت موقت انقلابی جمهوریت ویتنام جنوبی از تمام حکومت‌ها، از تمام سازمان‌های عامه و دموکراتیك جهان از تمام آن‌هایی که در راه صلح، استقلال و عدالت گام می‌گذارند خواهش می‌نماید که از حکومت ایالات متحده امریکا مطالبه نمایند که به پروگرام ده فقره‌ای جبهه آزادی‌بخش ملی و حکومت انقلابی موقت جمهوریت ویتنام جنوبی جواب جدی بدهد، به حقوق اساسی مردم ویتنام و حق اصل تعیین سرنوشت مردم ویتنام جنوبی احترام نماید.

(از ص اول)

# اتحاد شوروی بیستمین سالگرد ...

گردید.

منافع اساسی مردم شوروی و چین باهم مطابقت دارند. این ایجاد یك بنیاد مستحکم را به خاطر حفظ و انکشاف دوستی بین مردمان ما و دولت‌های ما تضمین می‌کند.

اتحاد شوروی به پیروی از اصول انترناسیونالیزم پرولتری در راه انکشاف همکاری همه جانبه بین مردمان اتحاد شوروی و چین ـ بین اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و جمهوریت توده‌ای چین، به خاطر عادی ساختن مناسبات بین دولت‌های مان، به‌منظور حل مسالمت آمیز مسایل مورد اختلاف از طریق مذاکرات و مشوره ها به‌طور ثابت گام می‌گذارد.

ما عمیقاً معتقدیم که اجرای این سیاست از هردو جانب با خواست‌های ملل شوروی و چین مطابقت می‌نماید و به بلند بردن درجه مؤثریت مبارزه ضد امپریالیزم، تقویه مواضع سوسیالیزم، تحکیم صلح و امنیت در شرق اقصی و سراسر جهان کمك خواهد نمود.«

# وصیت نامه هوچی من

هوچی من در وصیت نامه خود تقویه همبستگی حزب، حفظ پاکیزگی آن، ارتقای سطح زندگانی مردم، ادامهٔ مبارزه بر ضد تجاوزکاران ایالات متحده تا پیروزی کامل و نهائی و وحدت شمال و جنوب را خواستار شده است.

هوچی من در وصیت نامه خود می‌نویسد: «خواهش من اینست که باید حزب ما به رهنمایی عقل و احساس آخرین سعی خود را در راه اجرای خدمت مؤثر به خاطر احیای مجدد همبستگی احزاب برادر بر مبنای مارکسیزم لنینیزم و انترناسیونالیزم پرولتری انجام دهد، من مطمئن هستم که احزاب برادر و کشورهای برادر

# اهم اخبار هفته گذشته

**واشنگتن:** یکی از نمایندگان کانگرس امریکا سیاست حکومت امریکا را در ویتنام مورد انتقاد شدید قرار داد. وی در حالی که نوار سیاهی در بکس دستی خود بسته بود اعلان کرد که این نوار علامت اعتراض علیه قتل جوانان امریکا در ویتنام تلقی شود، باید نمایندگان کانگرس امریکا بر بازوهای خود نوار سیاه ببندند. او گفت که در یك هفته صد نفر جوان بی‌گناه امریکا در ویتنام کشته می‌شود.

**نیویارک:** در ایالت مساچوستس هزاران نفر جوان امریکایی دست به مظاهره زدند و شعار می‌دادند که »جنگ پلید ویتنام را خاتمه دهید! « «ما بجنگ ویتنام نخواهیم رفت!«

**دهلی جدید:** جوانان هندوستان با مخالفت در جنگ ویتنام به مظاهره پرداختند؛ و جنگ ویتنام را محکوم ساختند. مظاهره‌چیان بیرق امریکا را آتش زدند.

**واشنگتن:** بودجه نظامی ایالات متحده آمریکا برای سال ۱۹۷۰ بالغ ۸۱ میلیارد و ۵۰۰ ملیون دالر اعلان شد. مصارف جنگ ویتنام (۲۰) میلیارد دالر تخمین گر دیده است.

به مجردی که بودجه نظامی امریکا اعلان کردید هزاران نفر جوان امریکایی به مناسبت افزایش روزافزون مصارف جنگی دست به مظاهره زدند.

مظاهره‌چیان شعار می‌دادند که - ۸۱ میلیارد و ۵۰۰ ملیون دالر را به مصرف کسانی برسانید؛ که گرسنه‌اند! جنگی ویتنام را خاتمه دهید! جوانان ما را از ویتنام برگردانید! جنگ برای میلیاردرها بس است!

**نیویارک:** نکسن طی ملاقات نمایندگان محصلین سراسر امریکا اظهار داشت: ما از هیجانات ناآرامی‌های محصلان نگران هستیم. مگر فعلاً دولت قادر نیست کاری را انجام دهد. نمایندهٔ محصلان اظهار نمود: یکی از علل هیجانات محصلان جنگ ویتنام می‌باشد تا این جنگی خاتمه نیابد هیجانات ادامه خواهد داشت.

**کوریای شمالی:** کنفرانس بین‌المللی روزنامه نگاران در پایتخت جمهوریت دموکراتیك کوریای شمالی دایر گردید. شعار کنفرانس همبستگی با خلق‌های جهان، همبستگی با مردم ویتنام، همبستگی با تمام خلق‌های آسیا، افریقا و امریکای لاتین، افشای جنایات امپریالیزم در رأس آن امپریالیزم امریکا ـ تشکیل نهضت سوسیالیستی و غیره می‌باشد.

**بن:** در بن مذاکرات جدید راجع به فروش اسلحه به اسرائیل آغاز گردیده است. در جمله انواع مختلف اسلحه که بالای اسرائیل بفروش خواهد رسید اسلحه و گازهای کیمیاوی و زهردار و تانك جدید شامل می‌باشد. آلمان فدرال (۵۰) ملیون مارك جهت خریداری اسلحه به دسترس اسرائیل قرار داده اسمت.

## انگلستان هم به اسرائیل اسلحه می‌فروشد

دولت توده‌ای سودان به انگلستان اخطار داده است که از فروش تانك‌های نوع چیفتن به اسرائیل خود داری کند.

## یکی از خواست‌های آیدیالی مردم لیبیا به حقیقت پیوست

صدراعظم لیبیا اعلان کرد که بعد از اتمام قرارداد لیبیا با کشورهای خارجی این قراردادها بار دیگر تمدید نخواهد شد و این یکی از خواست‌های آیدیالی مردم لیبیا می‌باشد. قرارداد پایگاه نظامی انگلستان با لیبیا در ۱۹۷۱ ختم می‌شود.

# تقویه دوستی بین اعراب و شوروی شرط عمده پیروزی مبارزه اعراب بر ضد امپریالیزم است

اعتراضات ضد سیاست خصمانه و تجاوزکارانه ایالات متحده امریکا در برابر کشورهای عربی در لبنان ادامه دارد، نیروهای مترقي و وطن پر ست لبنان تقاضا دارند که در برابر موضع گیری خصمانه واشنگتن در مقابل عرب‌ها با منافع امریکا مقاطعه صورت گیرد. نمایندگان نیروهای ملی و وطن پرست در ناحیهٔ بکعه شرقی در بیانیه منتشره در روز نامه «الند» تحویل دادن اسلحه از طرف ایالات متحده امریکا را به اسرائیل قویاً محکوم ساخته‌اند و تقاضا کرده‌اند که باید مناسبات با ایالات متحده امریکا قطع گردد. در بیانیه گفته می‌شود «با آگاهی از دورهٔ خطرناکی که ملت عرب در آن بسر می‌برد و در نتیجه اشغال دوامدار سرزمین‌های عرب توسط اسرائیل به وجود آمده است نیروهای ملی وطن پرست تقویهٔ همه جانبه دفاع کشور، انسجام نزدیك فعالیت‌ها با دیگر رژیم‌های مترقی عربی و تقویه مناسبات لبنان را با شوروی و دیگر دولت‌ها تقاضا می‌نمایند.» مبصرین سیاسی جریدهٔ هفته وار «الاخبار» می‌نویسد:

خلق‌های عرب و بخصوص نیروهای مترقی آن به وضاحت می‌فهمند که تقویهٔ دوستی و همکاری عرب و شوروی شرط عمده پیروزی مبارزه اعراب بر ضد امپریالیزم و اسرائیل محسوب می‌گردد. «الاخبار» تأکید می‌کند که «دوستی بین خلق‌های عرب و اتحاد شوروی صخره ایست که سر تمام تلاش‌های امپریالیست‌ها و محافل ارتجاعی را در راه تجرید عرب‌ها از دوستان واقعی‌شان خواهد شکست!»

**(از منابع شوروی)**

(بقیه ص اول)

# مبارزات انتخاباتی ...

ببرک کارمل در بیانیه‌های انتخاباتی خود وظایف مبارزهٔ مشترك و وحدت عمل تمام نیروهای ملی و مترقی کشور را در مرحلهٔ کنونی علیه دشمنان مشترك یعنی استبداد، ارتجاع، استعمار و امپریالیزم و مبارزه به خاطر استقلال ملی، دموکراسی و ترقی اجتماعی و در وضع کنونی مبارزه در راه تامین آزادی‌های دموکراتیك من‌حیث شعار اساسی (حلقه مرکزی) و تحقق آزادی‌های مصرح در قانون اساسی، با تحلیلات وسیع و مستدل خاطر نشان کرده و حد فاصل میان خلق و دشمنان خلق و راه‌ها و وسایل نجات خلق کشور را مشخص ساخت.

تأثیرات بزرگ و ارزنده این سخنرانی‌های علمی، مستدل و پرشور بر شهریان رنجدیده کابل کاملاً مشهود است، چنانکه عملاً عدهٔ قابل ملاحظه‌ای از مردم و بخصوص بیشتر رأی دهندگان حوزه دوم شهر در پیرامون پرچمداران رزمندهٔ جریان دموکراتیک خلق افغانستان جلب گردیدند و مقابلتاً ارتجاع نیز نیروهای خود را متمرکزتر ساخت و دست به فتنه گری‌ها و تخریبات وسیع‌تر و جدی‌تری زد چنانچه در جریان یکی از بیانیه‌های ببرک کارمل عده‌یی از فتنه گران و خرابکاران به دستور محافل ارتجاع داخلی و خارجی اخلالی را به وجود آوردند و همین‌که درك شد، پای سوء قصدی نسبت به حیات رفیق بزرگ ما کارمل در میان است، آنگاه رفقای مبارز و قهرمان دموکراتیک خلق با اتخاذ روش اصولی و هوشیارانه و برخورد دلیرانه خود این توطئه خائنانه را خنثی ساختند.

همچنان در اجتماع بزرگ دیگری که بروز بعد توطئه متذکره در اثر اعلان قبلی جریان دموکراتیک خلق افغانستان، به اشتراك آن بیشتر از پانزده هزار نفر اعم از کارگران، پیشه‌وران، کسبه کاران، مأموران پائین رتبه، روشنفکران، محصلان و سایر زحمتکشان شهر در مرکز پارك زر نگار تشکیل شده بود، با وصف توطئه‌یی که وجود آن استشمام می‌گردید و بنا بر قطع و جریان غیر مترقب برق در دستگاه پخش کننده آواز و در نتیجهٔ عدم امکان استفاده از بلندگو و ممانعت افسران پولیس به نمایندگی از مقامات «امنیتی» به بهانه امکان اخلال امنیت و بروز هیجانات در میان مردم، ببرک کارمل بیانیه موجزی ایراد کرد که با شور و شوق هلهله و استقبال بی‌سابقه مردم مواجه شد.

در حالی که ده‌ها دسیسه و اخلالگری‌ها در جریان میتینگ‌های انتخاباتی صورت گرفت و اما باید خاطر نشان ساخت که ایجاد چنان اجتماعات عظیم و آگاهانه خود نمایندگی از علاقه‌مندی و پشتیبانی استوار مردم نسبت به جریان پر افتخار دموکراتیک خلق افغانستان و شخصیت درخشان ببرك کارمل می‌نماید که نتیجه آن در جریان پنج روز رأی گیری به‌طور مشهود به ملاحظه رسید.

قدر مسلم اینست که در جریان پنج روز رأی گیری علی رغم صف بندی وسیع تمام نیروها و عناصر ارتجاعی به شمول اداره برخی از وزارتخانه‌ها به سویه وزرا و مأموران عالی رتبه، تاجران بزرگ، متنفذین، اخلالگران و غیره همه در برابر جریان دموکراتیک خلق افغانستان و با بکار بردن تمام امکانات و وسایل از دسیسه، تهدید، تخویف زنان و مردان و وعده و وعید رأی دهندگان ممانعت مأموران پائین رتبه از رأی دهی و تحریکات مشهود، گرفته تا تهدید، کارشکنی، ایجاد موانع و تبلیغات سیاه ارتجاعی و زهرآگین بازهم رأی دهندگان شریف و بیدار اعم از زنان و مردان دلیرانه حاضر گردیدند به کاندید مطلوب و محبوب خویش ببرک کار مل رأی بدهند و پرچمداران دموکراتیك خلق افغانستان از صندوق رأی گیری شجاعانه و مصمم پاسبانی کردند که نتیجه آن پیروزی درخشان کارمل به احراز کرسی وکالت دورهٔ سیزدهم ولسی‌جرگه با حصول اکثریت آراء (سه چند آراء دو مین نفر از کاندیدان) می‌باشد.

در ختم رأی شماری، به استقبال این پیروزی درخشان که یقیناً نتیجهٔ فعالیت خستگی ناپذیر شبانروزی و مبارزات هوشیارانه، پیگیر و دلیرانه رفقا و دوستان جریان و پشتیبانی بی‌دریغ و قاطع مردم و رأی دهندگان شریف حوزهٔ دوم شهر کابل است، شام ۲۳ سنبله علی رغم ایجاد موانع از طرف پولیس در پارك زرنگار میتینگ بزرگی به وجود آمد، ببرک کارمل ضمن بیانیه علماً تحلیل شده‌یی که در ظرف بیشتر از یک ساعت ایراد کرد گفت:

رفقای ما نباید از پیروزی‌های خود مغرور و از شکست‌های موقتی خود مأیوس گردند، وی اظهار داشت که: در شرایطی که مناسبات فیودالی در کشور مسلط باشد، پیروزی در انتخابات شوری یک پیروزی موقتی و تکتیکی است، ما نباید بیش از حد لازم برای آن بها دهیم، در حالی که ما یک دنیا کارهای بزرگ دیگری برای رسیدن به اهداف استراتیژیکی و کارها و فعالیت‌های مهم سازمانی سیاسی و ایدئولوژیکی در پیش داریم.

وی گفت: هر قدر ما در مبارزات خویش به‌پیشروی‌ها نایل می‌گردیم به همان اندازه دشمنان محیل تر، حارتر و متشبس‌تر می‌گردند، ما نباید هوشیاری خویش را از دست دهیم، رفقا باید اتحاد و تشکل و روحیهٔ مسلکی، اصولیت را میان خویش تحکیم بخشند و با خلق پیوندهای مستحکم ایجاد نمایند از خلق بیاموزند و به ایشان بیاموزانند، آن‌ها را بیدار، متحد و متشکل سازند و از مشکلات نهراسند...

ببرک کارمل در اخیر بیانیه خویش روحیه رزمندگی ـ اصولیت، وقف و فداکاری رفقای جریان و کار خلاق سازمان دموکراتیك زنان افغانستان را ستود و از طرف جریان دموکراتیک خلق افغانستان از دوستان و هواخواهان و علاقه‌مندان جریان نسبت به پشتیبانی و همکاری بی‌دریغ و بی‌شائبه‌شان در جریان انتخابات و هم از مردم زحمتکش و دلیر شهر کابل اظهار امتنان نمود.

این میتینگ تاریخی با شعارهای پیروز باد خلق و سرنگون باد دشمنان خلق، زنده باد وطن واحدمان افغانستان محبوب! در فضای آگنده از شور و هیجان با کف زدن‌های ممتد، هوراها و هلهله‌ها پایان یافت.

با پیروزی ببرک کارمل در انتخابات پارلمانی در شهر کابل دوستان شاد و دشمنان بیش از پیش خشمگین گردیدند و دست به فعالیت‌های خرابکارانه و اعمال آشکارای ضد قانونی و ضد دموکراتیك در برابر دیگر کاندیدهای جریان دموکراتیك خلق افغانستان در مراکز دیگر انتخاباتی کشور که جریان رأی گیری ادامه داشت، زدند و عده‌یی از کاندیدهای شجاع و موفق ج.د.خ.ا را زندانی ساختند، ولی این شیوه صریحاً غیرقانونی و رسوا به اعتراض شدید مردم در اکثر نقاط کشور مواجه گردیده و خشم و نفرت مردم را نسبت به عاملین آن بر انگیخته است.

**مطبعه دولتی**